

# تحلیلی از واکنش انگلستان به پیگیری‌های مسئله بقیع (طی سال‌های ۱۹۲۵-۱۹۳۱) در پرتو برخی اسناد تازه‌نشر

محمدسعید نجاتی

## چکیده

در این مقاله واکنش انگلستان به پیگیری‌های مسلمانان درباره مسئله بقیع تحلیل می‌شود. این تحلیل براساس تعدادی از اسناد تازه‌نشر است که اطلاعات جدیدی از رفتار انگلستان درباره واکنش‌های مسلمانان به بازسازی بقیع به دست می‌دهد. بر پایه این اسناد انگلستان، جدای از همراهی با سعودیان در به قدرت رسیدن، به بهانه سیاست عدم مداخله در حرمین شریفین، برابر جنایات سعودیان سکوت کرد و از کوچک‌ترین کمک به قربانیان جنایات وهابیان (حتی انتقال نامه مسلمانان هند به رضاشاه)، خودداری کرد و علمای عراق را از نامه‌نگاری و اعتراض به وهابیت باز داشت. همچنین با تأمین هزینه و نیروی هوایی، سعودیان را در سرکوب کسانی که برای مقابله با جنایات وهابیت، از جمله تخریب بقاع متبرکه، قیام کرده بودند، یاری کرد. دلیل این موضع‌گیری‌های انگلستان، سیاست راهبردی حمایت از وهابیت برای نفوذ در قلب جهان اسلام و حجاز و حفظ منافع خودشان در منطقه بود. این پژوهش به روش تحلیلی - تاریخی و بر پایه اسناد کتابخانه‌ای نگارش یافته است و از آنجایی که حاوی داده‌های جدید و مستند به مدارک جدید و منتشر نشده است، پژوهشی نوآورانه است.

**کلیدواژه‌ها:** تخریب و بازسازی بقیع، هیئت الشورای اداریسی، حزب احرار حجاز، انگلستان و یمن، هند و بقیع، انگلستان و مسئله بقیع.

## مقدمه

در پی قدرت یافتن دوباره وهابیان در حجاز در سال ۱۳۴۴ قمری (۱۹۲۶م) همه آثار تاریخی و مذهبی حرم بقیع، مانند دیگر بقاع محترم مکه و مدینه، در همان سال ویران شد. (صبری پاشا، ۱۳۷۷ش، ص ۳۳۲؛ امین، بی تا، ص ۵۵) این ویرانی‌ها، موج‌ها و واکنش‌های بسیاری را میان مسلمانان جهان برانگیخت؛ موج‌هایی که عمق و گستردگی زیادی داشتند و تا زمانی طولانی (حدود ۲۵ سال بعد) استمرار یافت. (قاضی عسکر، ۱۴۰۰ق، ص ۱۵۴) در آن دوره انگلستان در بیشتر کشورهای اسلامی نفوذ و قدرت داشت و براساس منافع خود، برابر این واکنش‌ها پنهان و آشکار دخالت می‌کرد. نویسنده در این مقاله تلاش کرده براساس اسنادی که به تازگی نشر یافته‌اند، این واکنش‌ها را گزارش و تحلیل کند.

موضوع این مقاله، گزارش و تحلیل و تبیین واکنش انگلستان به پیگیری‌های مسئله بقیع است. منظور از مسئله بقیع، اعتراض‌ها برابر تخریب بقاع مطهر حرمین، به‌ویژه بقاع حرم بقیع، و پیگیری‌های آنان برای بازسازی این حرم‌هاست. در این موضوع، پژوهش‌های مشابهی یافت نشده است، ولی می‌توان در کتاب‌ها و مقالاتی که در زمینه تخریب دوم بقیع نگاشته شده، سرنخ‌هایی از این موضوع یافت؛ از جمله این پژوهش‌ها عبارتند از: کتاب *تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد* اثر سیدعلی قاضی عسکر، *مجموعه اول و دوم اسناد تخریب بقیع به کوشش علی احمدی و مجموعه سوم اسناد تخریب بقیع به کوشش محمدسعید نجاتی* که در تدوین آنها از اسناد مجلس شورای اسلامی، وزارت خارجه و کتابخانه ملی قطر استفاده شده است. همچنین کتاب *جنبش خلافت و مسئله بقیع* درباره واکنش مسلمانان هند، نوشته دکتر عبدی خجسته نیز اطلاعات مفیدی درباره رفتار انگلستان برابر هندیان درگیر این مسئله، به دست داده است. لازم به ذکر است که همه این کتاب‌ها در نشر مشعر در دست انتشار است.

کتاب *موقف النجف الاشرف من هجوم الوهابية على المدينة المنورة* تهیه شده در مرکز نجف اشرف نیز اسناد مفیدی درباره اقدامات انگلستان در عراق در اختیار می‌گذارد که محدود به منطقه عراق است.

بی‌شک برای تحلیل و تبیین دقیق و جامع نقش انگلستان در حوادث سال‌های نخست این قرن، پژوهش‌های بسیاری فراتر از گنجایش یک مقاله لازم است و شاید منابع کافی برای آن در دسترس نباشد. از این رو در این مقاله، نویسنده براساس اسناد موجود، تنها به تبیین و تحلیل واکنش انگلستان به اقداماتی می‌پردازد که در کشورهای مختلف منطقه با هدف تلاش برای بازسازی بقیع و دیگر اماکن مقدس حجاز انجام شده است.

بی‌تفاوتی انگلستان برابر اقدامات وهابیان در حجاز و حمایت ضمنی از آنان، واکنشی است که اسناد مطالعه شده در این پژوهش، آنچنان که خواهد آمد، آن را اثبات می‌کند. این تحلیل به‌صراحت در گزارش سفیر وقت ایران در مصر نیز انعکاس یافته است. در سندی که وزارت خارجه به‌تازگی منتشر کرده، آمده است:

عقاید انگلیسی‌ها این بود که به‌وسیله ابن سعود و وهابی‌ها، که عقاید مذهبی‌شان با سایر ملل اسلامی مخالف است، بهتر می‌تواند بر سایرین تسلط حاصل کند... و دولت انگلیس موافق جلوگیری از حرکات وحشیانه یک مشت وهابی وحشی در خرابی و بی‌احترامی بقیع و آدم کشتن برای استعمال دخانیات یا نوای موزیک نیست. (احمدی، ۱۴۰۰ش، ص ۴۱)

برای راستی‌آزمایی تحلیل بالا و بررسی واکنش انگلستان به تلاش ملل اسلامی در این موضوع، به تفکیک مناطق مختلف (عراق، هند و یمن)، نمونه‌هایی از واکنش‌های جهان اسلام به تخریب بقیع و دیگر حرم‌های مقدس حرمین در این سال‌ها در بازه‌ای حدود شش سال با تخریب دوم بقیع بازخوانی می‌شود. همچنین رفتار انگلستان در تعامل با آنها براساس اسناد موجود، مطالعه و تحلیل می‌شود. اسنادی که محور اصلی منابع این پژوهش است، غالباً تازه

منتشر شده و بیشتر در دوره شش‌ساله نخست این مدت متمرکز است. واکنش‌هایی که در این مقاله رفتار انگلستان درباره آنها مطالعه می‌شود، به قرار زیر است:

- تعطیلی‌های اعتراض‌آمیز، تجمع‌های مردمی، بیانیه‌ها و اعتراض‌ها و مکاتبات گروه‌های مختلف در عراق و ایران؛ (نجاتی، ۱۳۹۸ش، ص ۱۹۸-۲۰۶)
  - اعتراض‌های پیاپی مجلس ملی و تشکیل هیئت دفاع از حرمین و تشکیل کمیسیون دفاع از حرمین در مجلس و فرستادن نماینده رسمی به حجاز از سوی دربار ایران؛ (قاضی عسکر، ۱۴۰۰ق، ص ۱۲۹)
  - شکل‌گیری انجمن تحفظ بر مآثر حرمین (حفاظت از آثار حرمین) و جمعیت‌های دیگر برای مقابله با این امر در هندوستان؛
  - بیانیه‌ها و کنگره‌های جنبش خلافت هند و هیئت‌های اعزامی این تشکل به حجاز و اروپا؛
  - تلاش‌ها و مکاتبات برخی از این انجمن‌ها در راه بازسازی حرمین شریفین؛
  - شکل‌گیری دو جریان متحد در جنوب عربستان به نام‌های «شورای مشورتی اداره» و «حزب احرار حجاز» که در حدود سال ۱۹۳۱ میلادی با سعودی‌ها درگیری نظامی داشتند. (نجاتی، ۱۳۹۱ش، ص ۴۴)
- در ادامه به ترتیب کشورهای واکنش‌های یادشده در آنها رخ داده، رفتار انگلستان تبیین و تحلیل می‌شود.

## ۱. عراق

خبر تخریب بقاع متبرک مدینه از راه‌های مختلفی در عراق منتشر شد. (احمدی، ۱۳۹۹ش، ج ۱، ص ۸۳) پس از انتشار این خبر، گردهمایی‌های پرشماری در شهرهای مختلف عراق شکل گرفت که به شکل جلسات روضه و عزاداری و استغاثه برگزار می‌شد و نشان از عمق عواطف و واکنش فطری مردم

مسلمان برابر این حادثه بود. (همان، ۱۳۹۹ش، ج ۱، ص ۸۷) همچنین از دیگر اقدامات نخبگان و مردم عراق برای پیگیری مسئله بقیع، می توان به نمونه های زیر اشاره کرد:

- تلاش و تأکید عالمان دینی شیعه برای کسب اجماع جهانی و جلب مشارکت علمای اهل سنت و علمای سرزمین های مصر، سوریه، لبنان و شام؛ (گروهی از نویسندگان، ۱۴۳۱ق، ج ۹، ص ۴۴۹)

- استقبال علمای عراق از پیشنهاد سیدعبدالحسین شرفالدین درباره اتحاد دولت های شیعه برابر دولت وهابیت؛ بنا به پیشنهاد او دولت زیدی متوکلی یمن (۱۸۶۹-۱۹۴۸) باید از مرز زمینی به دولت وهابیان حمله کند و شاه (۱۲۵۶-۱۳۲۳) و حکومت ایران نیز باید پشتیبانی و تدارکات این حمله را تأمین کند. (همان، ۱۴۳۱ق، ج ۹، ص ۴۳۰)

- نامه علمای کربلا به دولت ایران برای پیشنهاد بسیج نیروی نظامی کشورهای اسلامی برابر وهابیان؛ (احمدی، ۱۴۰۰ش، ص ۱۰۲)

- نامه علمای نجف به دربار پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ش) برای بیان ضرورت پیگیری مسئله بقیع به عنوان یکی از وظایف پادشاه شیعه. (حکیم، ج ۱، ص ۴۱۷)

اسناد باقی مانده درباره واکنش انگلستان در مقابله با این اقدامات در عراق در سه موضوع است:

الف) گزارش جلسه ای که سیدحسین نقیب نجف<sup>۱</sup> با مندوب سامی (نایب السلطنه انگلستان در عراق) در بغداد داشته و محتوای آن را کنسول ایران در نجف در تاریخ هشتم بهمن ۱۳۰۵ شمسی گزارش کرده است. (احمدی، ۱۴۰۰ش، ص ۴۵)

ب) گزارش های مفصل کنسولگری ایران در نجف درباره سفر ملک فیصل (۱۹۳۵-۱۹۵۸) به نجف در ۲۹ دی ۱۳۰۵ شمسی است. این اسناد از

۱. درباره این فرد و تاریخ وفاتش اطلاعاتی در منابع در دسترس یافت نشد.

بایگانی وزارت خارجه به دست آمده است. (همان، ۱۴۰۰ش، ص ۱۶۴)  
 ملک فیصل در این سفر به ملاقات خصوصی با دو مرجع برجسته، یعنی آیت‌الله نائینی (۱۲۷۶-۱۳۵۵ق) و آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴-۱۳۶۵ق) رفته است که در اول بهمن ۱۳۰۵ شمسی و به صورت خصوصی و با قرق کردن حرم امیرالمؤمنین علیه السلام و بیرون کردن همگان حتی کلیددار حرم انجام شده است. (همان، ۱۴۰۰ش، ص ۱۷۶)

جلسه دوم در سوم بهمن در خانه شخصی با دو شخصیت برجسته حوزه، میرزاهدی آیت‌الله‌زاده خراسانی (فرزند آخوند خراسانی، رهبر مشروطه) و آقای بحرالعلوم<sup>۱</sup> بوده است که از طرف کنسول ایران در نجف گزارش شده است.

ج) اسناد منتشرشده در کتاب *موقف النجف الاشرف من هجوم الوهابية علی المدینه*.

براساس اسناد باقی‌مانده از این برهه زمانی، موضع انگلستان در هفت محور زیر در عراق تحلیل می‌شود:

### الف) تلاش برای کاستن نگرانی از تخریب‌ها

در جلسه‌ای که با حضور نماینده انگلستان و سیدحسین نقیب نجفی در بهمن ماه ۱۳۰۵ شمسی در بغداد برگزار شده و خبر آن را سرکنسول ایران در نجف مخبره کرده است، نماینده انگلستان به حضار اطمینان داده که وهابیان نه قبور بقیع را خراب کرده‌اند و نه قبر مطهر رسول اکرم صلی الله علیه و آله را تخریب خواهند کرد. (همان، ۱۴۰۰ش، ص ۴۵)

۱. ایشان (محمدعلی آل بحرالعلوم) احتمالاً در سال ۱۳۴۵ قمری زنده بوده که جزء امضاکنندگان اعلامیه‌های نجف اشرف کنار شیخ‌مهدی آیت‌الله‌زاده است. (گروهی از نویسندگان، موسوعه الإمام السید عبدالحسین شرف‌الدین، ج ۹، ص ۴۴۱)

این جلسه در ۱۸ بهمن ۱۳۰۵ (۱۹۲۷/۰۲/۰۸) گزارش شده که نشان‌دهنده انتشار موج جدیدی از خیر تخریب حرم‌های مطهر حجاز در عراق است؛ شایعه‌های جدیدی چون تخریب مسجد نبوی و حجره حضرت فاطمه علیها السلام که در برخی اسناد دیگر هم دیده می‌شود. این شایعات به‌حدی در نجف قوت گرفته بود که علمای نجف در سیزدهم رجب مطابق با دی‌ماه ۱۳۰۵ شمسی تجمع کرده و خواستار شکایت به جامعه ملل و سیاه‌پوش کردن گنبد امیرالمؤمنین علی علیه السلام و تحریم حج آن سال شده بودند. (همان، ۱۴۰۰ق، ص ۱۶۸ و ۱۷۸)

### ب) منع علما از ارجاع دادن مسئله بقیع به جامعه ملل

منع علما از ارجاع دادن مسئله بقیع به جامعه ملل در جلسه‌ای که نایب‌السلطنه انگلستان با کلیددار حرم داشت، انجام شده بود. براساس گزارش کنسولی ایران در نجف، کلیددار پس از این جلسه، ارسال دادخواست عمومی به جامعه ملل را بی‌نتیجه دانسته بود؛ چراکه در این جامعه نیز پرونده به انگلستان ارجاع شده بود و بهتر دانسته بود که معترضان بدون واسطه با انگلستان وارد مذاکره شوند. (همان، ۱۴۰۰ش، ص ۴۵)

ملک فیصل نیز در ملاقاتی که با دو مرجع تراز اول شیعه، یعنی آیت‌الله نائینی (۱۲۷۶-۱۳۵۵ق) و سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴-۱۳۶۵ق)، داشت آنان را به پیگیری مسئله بقیع از راه نامه‌نگاری جامعه علمی نجف به همه دولت‌ها، به‌ویژه دولت انگلیس، تشویق کرد. (احمدی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۸۴ و ۱۶۱)

دو تلاش مذکور را می‌توان برای مرجعیت‌بخشی به انگلستان درباره این اختلافات و ناگزیر کردن علمای شیعه به امتیاز دادن به انگلیس، در ازای توجه به دادخواهی آنان از وهابیت تفسیر کرد. البته انگلیسی‌ها از نامه‌نگاری علما با کشورهای دیگر نگرانی دیگری نیز داشتند که در سند بعدی بازتاب یافته است.

### ج) منع از مداخله علما در پیگیری‌های بین‌المللی مسئله یثیع

با توجه به سابقه تلاش‌های سیاسی علمای عراق، طبیعی بود که انگلستان از علما و روحانیون شیعه بیمناک باشد. از این رو فرماندار نظامی کربلا طی نامه‌ای محرمانه به دست‌نشانده‌اش در نجف، علما را از مداخله در سیاست و تشکیل اجتماعات و مکاتبات با سران و افراد شاخص کشورهای دیگر منع کرد؛ چراکه آن را یک کنش سیاسی، نه یک فعالیت عبادی و عزاداری دانست که استمرار آن، باعث ایجاد قواعد جدیدی در حقوق بین‌الملل به سود علمای اسلام، که رعایای دولت هستند، خواهد شد. (مرکز النجف، ۱۳۹۸ش، ص ۶۱)

می‌توان دلیل ترس انگلستان از نفوذ کلمه و کسب وجهه بین‌المللی از سوی علما را در موضع‌گیری‌های ضد انگلیسی علما دانست؛ علمایی که تا آن زمان افزون بر جنگ جهانی اول، در ثورة العشرین و جریانات دیگر، توانایی خود را تا سطح مقابله نظامی با انگلستان نشان داده بودند. (دادفر و نعمتی، ۱۳۹۲ش، ص ۸۰)

در ثورة العشرین (۱۹۲۰) مردم و قبایل عراق، به رهبری آیت‌الله محمدتقی شیرازی و با همراهی روحانیون شیعه، برابر انگلیسی‌ها قیام کردند. (ویلی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۱)

(گویا ملک فیصل از این دستور بی‌اطلاع بود؛ چراکه علمای نجف را به نامه‌نگاری به کشورهای مختلف، از جمله انگلستان توصیه کرده بود.

### د) تهدید ضمنی به هجوم دوباره وهابیان به عراق

در دیدار نایب‌السلطنه انگلستان و سیدحسین نقیب نجف در عراق، نایب‌السلطنه، عراقیان را از به خشم آوردن سعودیان و پیگیری و اعتراض به اعمال وهابیان برحذر داشت و اعتراضات بیشتر را باعث تکرار جنایات وهابیت در عراق دانست و خطر تکرار هجومی، مانند هجوم به کربلا (۱۲۱۶ و ۱۲۲۶ق) و نجف (۱۲۱۶ و ۱۲۲۶ق) در نبود نیروی مدافع دولت عثمانی را گوشزد کرد. (احمدی، ۱۴۰۰ش، ص ۴۵) این مسئله در مذاکره ملک فیصل با مراجع ایرانی نجف نیز از زبان او گزارش شده است. (همان، ۱۴۰۰ش، ص ۱۷۶)

جنایاتی که آل سعود در حمله‌های ددمشانه خود به کربلا و نجف انجام



داده بود، (امین، بی تا، ص ۴۴) این تهدید را برای عراقی‌هایی جدی می‌کرد که پس از سقوط خلافت عثمانی (۱۲۹۹ تا ۱۹۲۲م) و جنگ جهانی اول و شکست برابر انگلستان، دولت مرکزی و نیروی دفاعی قوی نداشتند و حالا نماینده کشور استعمارکننده هم به طور ضمنی، آنان را به تنها گذاشتن برابر وهابیان خونخوار و ددمنش، تهدید می‌کرد. البته آل سعود در سال قبل این گفت‌وگوها (۱۳۴۴ق) با اطلاعیه‌ای بر روابط دوستانه خود با اهل عراق تأکید کرد و ایجاد هراس از آل سعود را توطئه دشمنان از جمله بازماندگان شریف مکه دانست. (جریده ام القری، عدد ۷، شوال ۱۳۴۴) ولی گویا رفتار آل سعود و انگلستان درسی به عراقیان داده بود که از این وعده‌ها چندان دلخوش نباشند.

### ه) هشدار از هرگونه به خطر انداختن سیاست‌ها و منافع انگلستان

ملک فیصل در جلسه‌ای که با نمایندگان علمای نجف درباره مسائل روز و پیگیری مسئله بقیع داشت، تأکید کرده بود که نباید در اعتراض‌ها و واکنش‌ها به جنایات آل سعود در حرمین، حرکاتی شود که منافی با سیاست دولت انگلیس است؛ چراکه نارضایتی انگلستان مانع آنان برای رسیدن به اهدافشان می‌شود. (احمدی، ۱۴۰۰ش، ص ۱۸۴)

### و) منع از انتشار هرگونه اطلاعیه برابر وهابیت بدون هماهنگی با انگلیس

براساس گزارش کنسول ایران در نجف، پس از انتشار اعلامیه‌های جامعه علمیه نجف درباره دادخواهی و پیگیری مسئله بقیع، حکومت نظامی نجف در آبان‌ماه ۱۳۰۵ شمسی، همه مدیران چاپخانه‌های نجف را احضار کرد و از آنها التزام گرفت که از این به بعد هیچ‌گونه لوایح، رسائل و منشورات مربوط به اقدامات سعودیان، بدون ارائه به حکومت و اجازه حکومت دست‌نشانده انگلستان نباید منتشر و چاپ شود. (همان، ۱۴۰۰ق، ص ۱۴۲)

هشدار مذکور به معنای ایجاد محدودیت برای صدور اطلاعیه‌ها و نشر بیانیه‌های آگاهی‌بخش و اعتراض‌آمیز علمای نجف در مسئله بقیع و دیگر

مسائل جهان اسلام بود. دلیل این محدودیت را می‌توان در اثرگذاری این بیانیه‌ها در جوامع اسلامی دانست؛ از جمله این اثرگذاری‌ها، واقعه تنباکو و شکل‌گیری اعتراضات مختلف مسلمانان به جنایات وهابیت است.

### ز) اظهار بی‌طرفی انگلستان در امور حجاز

همان‌طور که در قسمت‌های بعدی خواهد آمد، پاسخ ثابت انگلستان به درخواست ممانعت از اقدامات ضدانسانی و ضدحقوق بشری وهابیان، تنها بسنده کردن به این نکته بود که سیاست ثابت انگلستان، عدم مداخله در حجاز به عنوان سرزمین مقدس اسلام است. این سیاست عدم مداخله، به دنبال درگیر شدن انگلستان با عثمانی و به تقاضای مسلمانان هند بود که بعدها از طرف نایب‌السلطنه هند و هنگام درگیر شدن نیروهای انگلیسی با عثمانیان در سال ۱۹۱۴ میلادی و نیز نخست‌وزیر وقت انگلستان لوید جرج<sup>۱</sup> (۱۹۱۶\_۱۹۲۲) در سال ۱۹۱۶ میلادی در سخنرانی مشهور خود تأیید شد. (عبدی خجسته، ۱۴۰۱ق، ص ۱۱۵ و ۱۱۶)

انگلستان در پاسخ به تقاضای علما و مردم بصره، که در ۲۱ سپتامبر ۱۹۲۵/ ۲ ربیع‌الاول ۱۳۴۴ و در ایام محاصره مدینه و قبل از تخریب بقیع به دست وهابیان ارسال شده بود، از مداخله برای جلوگیری از جنایات وهابیت خودداری کرد و دلیل آن را سیاست بی‌طرفی مذهبی انگلستان در سرزمین‌های مقدس و نزاع میان مسلمانان دانست. با این بهانه تنها به ابراز تأسف و ناراحتی به اقدامات وهابیان در حجاز بسنده کرد. همچنین اعلام کرد که تلاش انگلستان برای میانجی‌گری رد شده است. (مرکزالنجم الأشرف، ۱۳۹۲ق، ص ۱۳) این سیاست چنانکه در ادامه مقاله خواهد آمد در برخورد با سایر تقاضاهای مداخله از سوی مخالفان وهابیت تکرار شد.

در جلسه‌ای که ملک فیصل در کربلا با علمای کربلا، از جمله حاجی

1 David Lloyd George.

شیخ العراقین و نمایندگان علمای نجف داشت، در پاسخ به اعتراض آنان که چرا انگلیس مانع اقدامات ضد وهابیت علمای عراق است، گفت: «من قول قطعی می‌دهم که انگلیسی‌ها هیچ‌گونه مداخله‌ای در امور حجاز ندارند و به من صراحتاً گفته‌اند». گزارش این جلسه نیز در گزارش سفیر ایران در نجف انعکاس یافته است. (احمدی، ۱۴۰۰، ص ۱۸۰)

طبیعی است که حمایت‌های مؤثر از یک طرف نزاع‌ها و رهاکردن طرف قربانی به بهانه عدم دخالت در منازعات مذهبی، عملاً بی‌طرفی نیست، هرچند به زبان، آن را بی‌طرفی بنامند.

## ۲. هند

پس از دومین تخریب بقاع متبرک در حرمین شریفین و بقیع از سوی وهابیت در سال ۱۳۴۴ قمری/۱۹۲۵ میلادی، موج شدیدی از واکنش‌های اعتراض‌آمیز به این جنایات و تخریب‌ها در جهان اسلام شکل گرفت. موج‌هایی که عمق و گستردگی بسیاری داشت و تا زمانی طولانی استمرار یافت. این اقدامات و به‌ویژه مکاتباتی که در سال ۱۹۲۵ میلادی عمدتاً از طرف جنبش خلافت هند شکل گرفت، بی‌نتیجه و بی‌ثمر ماند. (عبدی خجسته، ۱۴۰۱، ص ۱۸۷)

پس از حدود شش سال، حرکت‌ها و انجمن‌های دیگری چون «انجمن خدام کعبه»، «انجمن تحفّظ مآثر متبرکه»، گروهی از داوطلبان فداکار موسوم به «رضاکار جنت البقیع» و «خدام الحرمین» میان مسلمانان هند شکل گرفت. آنها عقیده داشتند با تلاش‌های دیپلماتیک و رایزنی و مکاتبه با نایب‌السلطنه انگلستان در هند بتوانند وهابیان سعودی را در بدرفتاری با مسلمانان سایر مذاهب محدود کرده و به بازسازی حرم‌های تخریب‌شده وادار کنند. (همانجا)

### الف) مخالفت با تقاضای واکنش در قبال رفتار جنایت‌آمیز وهابیت در حرمین

دبیر انجمن «تحفظ بر مآثر حرمین»، با نامه‌ای در سال ۱۹۳۰ میلادی، به ادوارد لیندلی وود،<sup>۱</sup> فرماندار و نایب‌السلطنه وقت انگلستان در هند، از کشتارها و رفتارهای توهین‌آمیز و وحشیانه وهابیان مسلط بر حرمین برابر زائران اماکن مقدس، شکایت کرد و از اعتراض عمومی همه مسلمانان هند از مذاهب مختلف و شکل‌گیری گروه‌های داوطلبانه برای مداخله سیاسی و دیپلماتیک ضد جنایات وهابیت در حجاز خبر داد. وی مفاد قطعنامه‌های مسلمانان هند را در مطالبه از انگلستان برای جلوگیری از جنایات وهابیت در حرمین به اطلاع نایب‌السلطنه انگلستان رساند.

نامه مذکور با لحنی بسیار کرنشگرانه به نایب‌السلطنه انگلستان در هند، در ۱ آوریل ۱۹۳۰ / ۱ ذوالقعدة ۱۳۴۸ نوشته شده است. در مقدمه نامه، به نقش کاهنده و مهارکننده این انجمن برای مهار احساسات شیعیان هند در قبال مسئله بقیع اشاره شده است که توانسته‌اند با ارائه یک برنامه عملی منظم و اساسی برای رفع توهین عمده به اعتقادات مسلمانان و تدوین پیش‌نویسی اعتراض‌آمیز، احساسات مذهبی آنها را در محدوده حرکت‌های منطقی و مسالمت‌آمیز مهار کنند. در ادامه بر رابطه صمیمانه و اعتماد به صداقت و عدالت دولت بریتانیا، علاقه به درستکاری و مدارا با اعتقادات مذهبی و ناجی دانستن این دولت تأکید شده است. نویسندگان این نامه، بنا بر قطعنامه‌های مختلف مصوب جمعیت‌های مختلف در شهرهای امروهه،<sup>۲</sup> پتنه،<sup>۳</sup> کلکته و سکهر<sup>۴</sup> هند، برای جلوگیری از فعالیت‌های خصمانه دولت ابن سعود در حرمین،

1. Edward Frederick Lindley Wood, The Lord Irwin.

وی به نام لرد اروین هم خوانده می‌شد، مرگ در ۲۳ دسامبر ۱۹۵۹.

2. Amroha.

3. Patna.

4. Sukkur.

از انگلستان تقاضای مداخله کردند و منع وهابیان در امور زیر را خواستار شدند:

۱. هتک حرمت و تخریب اماکن مقدسی، مانند مولد النبی ﷺ (محل تولد پیامبر اکرم ﷺ)، جنت المعلی (قبرستان بنی هاشم در مکه) و جنت البقیع (محل دفن پیکر یگانه دختر پیامبر ﷺ، حضرت فاطمه ﷺ، امام حسن، امام زین العابدین، امام محمدباقر، امام صادق ﷺ، عثمان خلیفه سوم و سایر بستگان و یاران راستین پیامبر ﷺ) و استفاده از بقایای ساختمان تخریب شده این اماکن، که دارای کتیبه‌های مقدس است، در مکان‌های کثیف و ناپاک؛

۲. جلوگیری از زیارت (خطاب قرار دادن مقدسین و احترام گزاردن به ایشان) و در آغوش گرفتن و بوسیدن قبور مطهر این اماکن متبرکه مخروبه؛

۳. تخریب عبادتگاه‌ها، مانند بارگاه‌های ائمه و اشغال اجباری این اماکن به دست سعودی‌ها؛

۴. دخالت و منع حاجیان مذاهب دیگر از انجام مناسک عرفی در مواقع زیارت؛

۵. اجبار غیر وهابیان به پیروی از شعائر، احکام و پیشوایان وهابی‌ها؛

۶. بدرفتاری، آزار، کشتار و تبعید سادات طائف، مدینه، احساء و قطیف.

از میان همه حوادث نفرت‌انگیز، هتک حرمت جنت البقیع باعث ناراحتی و اندوه فراوان در اذهان شیعیان شده است و آنان را برای حفاظت از قبر مطهر پیامبر ﷺ و سایر ائمه ﷺ و دفاع از آنها برابر بی‌مهری در آینده، وکیل قرار داده است.

نویسندگان نامه، از نایب‌السلطنه انگلستان در هند استدعا کردند که با رساندن صدای ناله و زاری بی‌وقفه بیست میلیون نفر از شیعیان هند به دولت مرکزی، دولت سعودی را از راه مداخله و نفوذ دیپلماتیک، به دادخواهی آنان مجبور کند؛ چراکه شیعیان، احیای این اماکن مقدس عبادی و زیارتی و آزادی در آنان را خواهان هستند. همچنین آنان تأکید کردند که حاضرند برای بازسازی

اماکن مقدس از جان و مال خود هزینه کنند و این بازسازی را عملی کنند. (نجاتی، ۱۴۰۱ش، ص ۲۶)

این نامه، ادعای جامع درباره جنایات وهابیت در حرمین شریفین بود و مطالبه بازسازی بقیع به عنوان یکی از نمونه‌های مهم آن درج شده بود. ولی تنها پاسخ انگلستان، عدم تمایل در مداخله امور داخلی کشورها و اماکن مقدس بود. (همان، ۱۴۰۱ش، ص ۳۰)

### ب) امتناع از دادن مجوز برای بازسازی بقیع

سیدمصطفی رضا، دبیر کل افتخاری کنفرانس سراسری شیعیان هند، به توصیه مشی مخصوص فرماندار انگلیسی ایالت اوتارپرادش، با نامه‌ای برای نایب‌السلطنه انگلستان از طرف شیعیان هند پذیرفت تا در صورت اعطای مجوز انگلستان، بازسازی بقاع و اماکن مقدس تخریب شده در حرمین را با پرداخت صدها روپیه و زیر نظر شورای مهندسان بریتانیایی به عهده بگیرد. وی حتی وعده داد به نشانه قدرشناسی، مجسمه «لرد اروین»<sup>۱</sup> را در مکه قرار دهد. (نجاتی، ۱۴۰۱ش، ص ۲۸) ولی انگلستان یک ماه بعد در نامه‌ای به استناد سیاست قطعی عدم مداخله در مسائل دینی و اماکن مقدس اسلام از این درخواست امتناع کرد. (همان، ۱۴۰۱ش، ص ۳۰) این نامه از یکسو ارتباط و وابستگی سعودیان به انگلستان را نزد شیعیان هند به وضوح نشان داد و از سوی دیگر برتری همراهی انگلستان با آل سعود به جلب نظر و حمایت شیعیان هند را مشخص کرد.

### ج) امتناع از تحویل نامه یاری‌خواهی هندیان به رضاشاه

پس از خودداری «لرد اروین» از پذیرش تقاضای مشارکت هندیان در بازسازی بقیع، جمعیت شیعیان هند - با توجه به اقدامات ظاهری دولت ایران در سال‌های گذشته، چنان‌که در متن نامه به آن اشاره شده، (نجاتی، ۱۴۰۱ش،

1. Lord Irwin.

ص ۳۴) و با تکیه بر اینکه مذهب تشیع تنها در ایران مذهب رسمی است و دلخوش به عرق مذهبی و دینی دولت ایران - تلاش کرد تا با هماهنگی نایب‌السلطنه انگلستان در هند نامه‌ای برای رضاشاه بفرستد.

نگاه مذهبی نویسندگان نامه در جملاتی که درباره مشکلاتشان در حجاز گفته‌اند و مطالب جدیدی که برانگیختن احساسات مذهبی ایرانیان را دارد، در نامه قبلی به نایب‌السلطنه انگلستان نبوده است؛ جملاتی از قبیل:

ما از آزارها و ظلم‌هایی که ملک بن سعود در حجاز در حق ما روا داشته و در اظهاریه نیز بدان‌ها اشاره شده است، در رنج و عذابیم. شیعیان پس از قرن‌ها آزار و اذیت، که موضوعی تاریخی است، به هند پناه آورده‌اند؛ ما هیچ ترسی از قتل - عام شدن نداریم، تنها به این دلیل که از نوادگان حضرت علی علیه السلام هستیم؛ «من اطمینان دارم اعلی حضرت، که خود از زمره شیعیان هستید، به اندازه ما، شاید هم بیشتر، به حضرت فاطمه، حضرت امام حسن و حضرت زین العابدین علیهم السلام و دیگرانی که می‌خواهیم بقاعشان را برپا کنیم، محبت دارید و من اطمینان دارم که اعلی حضرت هم به اندازه ما نگران رفع تظلم‌های ما در حجاز هستند. (نجاتی،

۱۴۰۱ق، ص ۳۳)

مسلمانان هند با این نامه از رضاشاه درخواست می‌کنند تا با مذاکره وزارت خارجه ایران با دولت سعودی، برای دادخواهی شیعیان هند تلاش کند و در مرحله اول از نایب‌السلطنه انگلستان می‌خواهد که این نامه را تأیید کرده و به دربار رضاشاه ارسال کند. ولی نایب‌السلطنه انگلیس، رساندن نامه به رضاشاه را نیز نوعی مداخله در امور مذهبی مسلمانان می‌داند و از آن سر باز می‌زند. پس از این جریان است که مسلمانان هند همین نامه را با ارسال یک نسخه به نایب‌السلطنه انگلیس، مستقیماً برای رضاشاه می‌فرستند؛ ولی انعکاسی از این نامه در اسناد دیده نمی‌شود.

شاید دلیل واکنش نشان ندادن رضاشاه به این نامه‌ها، تغییر رویکرد وی به مسائل دینی در آن برهه باشد. تاریخ ارسال این اسناد ۳۱ مه ۱۹۳۰ مطابق با

۱۳۴۹/۱/۲ قمری است. در این دوره رضاشاه اولین گام را در تقابل با قشر مذهبی و روحانیون ایران برداشته بود. اولین رویارویی رضاشاه با روحانیت در واقعه حضور زنان خانواده شاه بدون پوشش مناسب در صحن حرم حضرت معصومه علیها السلام و اعتراض مرحوم آیت‌الله بافقی (۱۲۹۲-۱۳۲۵ش) به آن و در ادامه شکنجه و اهانت علنی به ایشان در حرم، در نوروز ۱۳۰۷ شمسی است. (صدیقی، ۱۳۸۳ش، ص ۶)

رضاشاه با تصویب قانون لباس متحدالشکل و اجبار طلاب و روحانیونی که اجازه اجتهاد ندارند به عدم استفاده از لباس روحانیت، روحانیون و گروه‌های مذهبی را به قیام و واکنش واداشت. اقدامات متحدالشکل کردن لباس در سال ۱۳۰۶ شمسی و قانون رسمی آن در آذرماه ۱۳۰۷ اجرایی شد و با واکنش تند روحانیونی مواجه بود که نمی‌خواستند برای پوشیدن لباس روحانیت و اجرای وظایف روحانی به مجوز حکومت پهلوی وابسته باشند. در واکنش به این قانون بود که قیام مردم تبریز به رهبری علما، به‌ویژه حضرات میرزاصادق آقابریری و آقاسیدابوالحسن انگجی، شکل گرفت. (قاسم‌پور، ۱۳۸۴، ص ۵)

### ۳. یمن

دخالت انگلیس در واکنش به تخریب بقیع در یمن بر پایه اسنادی نویافته از بایگانی ملی دبی، که مربوط به سال‌های ۱۹۳۱ - ۱۹۳۲ و ۱۳۴۹ - ۱۳۵۰ قمری است، تبیین می‌شود. در این سال‌ها دو جریان، جبهه متحدی را در جنوب عربستان و شمال یمن برابر آل سعود شکل داده بودند که در اهداف خود به بازسازی حرم‌های مطهر تخریب‌شده در حرمین اشاره کرده‌اند و به همین مناسبت با شیعیان هند نیز مرتبط بودند.

الف) حزب احرار حجاز، که با هدف دفاع از جمهوری عربی و حکومت بربادرفته شریف حسین (حک ۱۹۱۶-۱۹۱۸م) و پسرش شریف علی (۱۹۲۴-۱۹۲۵م) و سرنگون کردن آل سعود با حمایت‌های شاه اردن و



خاندان‌های پیرامونی شریف‌حسین سامان گرفته بود، به مشارکت با حکومت اداره برای سرنگون کردن سعودیان پرداخت. (الشرعة، حزب الأحرار الحجازی و دوره السیاسی بین عامی ۱۹۲۸-۱۹۳۵، ۲۰۱۰ میلادی) این حزب در ۱۵ شعبان ۱۳۴۳ قمری در حجاز تأسیس شد و هیئتی را به سرپرستی سیدمحمدحسین الدباغ الحسینی<sup>۱</sup> به هندوستان اعزام کرد که وظیفه داشتند با جذب کمک‌های مسلمانان دیگر، ابن سعود را از حجاز مقدس بیرون کنند. از این رو این هیئت در هر شهری نماینده و شعبه‌ای تعیین کرد. (عبدی خجسته، ۱۴۰۱، ص ۱۵۱)

دو - حکمرانی اداره در شمال یمن در منطقه عَسیر و صَبیا از سال ۱۳۳۰ قمری به دست سیدمحمد بن علی ادریسی (۱۲۹۳-۱۳۴۱ ق) تشکیل شد. (الواسعی، ۱۳۴۶ق، ص ۲۴۳) این حکمرانی درگیری‌هایی را با دولت عثمانی و امام یحیی، پادشاه وقت یمن، داشت تا اینکه به امضای توافق‌نامه مکه در سال ۱۳۴۵ قمری منجر شد. (آل بسام، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۳۴۱) ولی در سال ۱۹۳۲ مطابق با ماه رجب سال ۱۳۵۱ قمری اداره به رهبری السیدحسن دوباره شورش کردند. این شورش با سرکوب دولت سعودی از بین رفت و دولت سعودی پس از این شکست، پایان دولت اداره عسیر و اداره مستقیم آن به عنوان یکی از استان‌های سعودی را اعلام کرد. (همان، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۳۴۲) در بیانیه‌ای که از آنان برجای مانده است، این دو گروه خود را تحت عنوان «هیئت الشورای ادریسی» معرفی کرده‌اند. در این مکاتبات و در بیانیه مشترکی که در شعبان ۱۳۵۱ قمری از این دو گروه منتشر شد، حفظ اماکن مقدس به معنای نجات کعبه و... است. خاتمه دادن به جنایات وهابیان، قتل و کشتار مسلمانان، ریشه‌کن کردن نفوذ بیگانه و حکومت وهابی حجاز و حفظ اماکن مقدس از هتک حرمت، از جمله اهداف این تشکیل اعلام شده است. (نجاتی، ۱۳۹۱ش، ص ۴۵) آنان با اعلامیه‌ای مشترک از همه مسلمانان برای ریشه‌کن کردن

۱. ناشناخته.

آل سعود و خطر وهابیت یاری طلبیدند. (همان، ۱۳۹۱ش، ص ۵۱)

در نامه‌ای که این مبارزان از طریق حاکم عدن به انگلستان به صورت مستقیم ارسال کرده‌اند و در بیانیه‌ای که به زبان عربی از طرف هیئت شورای حجازی ادیسی به تاریخ نیمه شعبان ۱۳۵۱ قمری خطاب به همه مسلمانان صادر شده، با بر شمردن جنایات آل سعود و وهابیان در حرمین، به کمک‌های انگلستان به آل سعود در سرکوب مجاهدان یمنی، که به دو صورت نظامی و مالی انجام گرفته، اشاره شده است. نظامی با پرواز هرروزه هواپیماهای انگلیسی بر فراز مجاهدان و کشتار آنان و کمک مالی، با تأمین هزینه‌های این جنگ با پرداخت وام یکصد هزار پوندی به صورت نقدی و به وسیله «جان فیلی» (۳ آوریل ۱۸۸۵-۳۰ سپتامبر ۱۹۶۰)<sup>۱</sup> و «حافظ وهبه» (۱۳۰۷-۱۳۸۷ق)<sup>۲</sup> به حجاز منتقل شده است. (همان، ۱۳۹۱ش، ص ۵۱) در آخر این بیانیه نیز از همه مسلمانان جهان خواسته شده تا با تمام توان برای بیرون کردن وهابی‌ها از حجاز و نجات کعبه مشرفه و حرم مطهر پیامبر اکرم ﷺ بکوشند. (همان، ۱۳۹۱ش، ص ۵۲)

با توجه به هیئت اعزامی انقلابیان شمال یمن به هند و با توجه به سابقه اهمتامی که شیعیان هند به مسئله بقیع و روابط نزدیکشان با انگلستان داشتند، شیعیان هند از جمله «انجمن تحفظ بر مآثر متبرکه» با تشکیل جلسات فراوان و گردمایی‌های بزرگی در مراکز شیعه‌نشین هند، همچون جانپور و سگر، و صدور قطعنامه تصویب کردند تا از انگلستان بخواهند از دخالت در نبرد میان آل سعود و مجاهدان شمال یمن خودداری کند. این تقاضا براساس سیاست بی‌طرفی انگلستان بود؛ با این استدلال که این درگیری‌ها در سرزمین‌های

۱. John Philb، هری سنت جان بریجر فیلی؛ همچنین به عنوان جک فیلی یا شیخ عبدالله شناخته می‌شد. او

یک عرب‌شناس، مشاور، کاشف، نویسنده و افسر اطلاعاتی استعماری بود.

۲. روزنامه‌نگار مصری که از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۶۵ در خدمت ملک عبدالعزیز آل سعود بود و سال‌های متوالی به

عنوان سفیر عربستان در لندن اشتغال داشت. (زرکلی، الاعلام، ج ۲، ص ۱۶۰)

مقدس مسلمانان و نوعی اختلاف مذهبی است. از این رو از تخریب بقاع مقدس حرمین و بقیع و دیگر جنایات وهابیان خودداری نکرده بود. حالا باید به انگلستان اعلام می‌شد که درگیری یمنیان با سعودیان نیز درگیری مذهبی در سرزمین‌های مقدس است و انگلستان نباید در آن مداخله کند.

این خواسته شیعیان هند در حمایت از مبارزان شمال یمن بود که از انگلستان خواستند هیچ دخالتی در این امر نکنند. (همان، ص ۵۵ و ۵۷) تقاضای آنها از طرف مولانا سیدمحمدشیر، صاحب مجتهد، مدرسه ناصریه در جونیپور<sup>۱</sup> و سیدمحمدطاهر، لیسانس حقوق، دبیر افتخاری انجمن تحفظ مآثر متبرکه در سیتاپور<sup>۲</sup> به نماینده انگلستان ابلاغ شد. در این بیانیه‌ها گفته شد که هرگونه کمک به آل سعود در این جریان‌ها باعث جریحه‌دار شدن احساسات مجاهدان هندی، که به صورت سنتی به انگلستان وفادارند، می‌شود. (همان، ۱۳۹۱ش، ص ۵۷)

با وجود احترامی که کارگزار انگلستان به نویسندگان آن ابراز می‌کرد و خود را مطیع‌ترین فرمانبردار آنان می‌خواند، (همان، ۱۳۹۱ش، ص ۶۳) هیچ‌کدام از خواسته‌های مذکور به انجام نرسید و نایب‌السلطنه انگلستان در هند با آن همراهی نکرد. البته در اظهار نظر منشی دفتر نایب‌السلطنه، که در این اسناد خطاب به شخص نایب‌السلطنه به صورت دست‌نویس موجود است، از این مباران اظهار بی‌اطلاعی شده است. (همان، ۱۳۹۱ش، ص ۶۹) ولی از طرفی با توجه به بی‌اطلاعی نویسنده این اظهار نظر، نسبت به وضعیت حجاز (که از مفهوم کلمه جهاد اظهار بی‌اطلاعی و آن را به معنای سرزمین مقدس تفسیر کرده، و نیز کارنامه انگلستان و به‌ویژه مأمور ویژه‌اش «جان فیلی» در یمن در سال‌های بعد) به‌خوبی نشانگر توجه ویژه انگلستان به یمن و فعالیت خاص جان فیلی درباره آن است (ساتی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۸، ۴۰ و ۶۵)

1. Jaunpur.

2. Sitapur.

نکته مهم اینکه، شاید برای اولین بار، طرح مقابله نظامی یمن با سعودی با هدف پیگیری مسئله بقیع حدود پنج سال پیش از این، از سوی سید عبدالحسین شرف‌الدین (۱۲۹۰-۱۳۷۷ق)، عالم و مصلح بزرگ لبنانی، مطرح شد. وی برای رسیدن به این هدف با امام یحیی، پیشوای وقت یمن، و با ملک فیصل شاه عراق و مراجع ایران و عراق برای تشویق ایران و عراق در پشتیبانی و مشارکت با یمن، مکاتبه کرد و طرح حمله مستقیم یمن همراه پشتیبانی ایران و عراق را عرضه کرد. (گروهی از نویسندگان، ۱۴۳۱ق، ج ۹، ص ۴۳۰ و ۴۴۳) ولی هیچ پاسخ روشنی از سوی امام یحیی، پادشاه یمن، به این دعوت‌ها و اظهار نیازها داده نشد که به دلیل شرایط وخیم و ناپایدار سیاسی و اقتصادی این کشورها و صلح امام یحیی با سعودیان با وساطت انگلستان و دست‌نشاندهی شاهان ایران و عراق این تلاش‌ها به نتیجه نرسید. (نجاتی، ۱۳۹۹ش، ص ۲۳۶)

### نتیجه

براساس سه مجموعه سند مرتبط با بقیع، که به تازگی انتشار یافته است، می‌توان رویکرد انگلستان به مسئله بقیع را تحلیل کرد.

انگلستان تمایلی نداشت تا از جنایات ضد بشری وهابیت و سعودی برابر سایر مسلمانان در حرمین، جلوگیری کند. او به دنبال کسب اقتدار کامل آل سعود در حجاز و حرمین برابر سایر مسلمانان بود. این رویکرد براساس اسناد باقی‌مانده از مواضع انگلستان درباره تلاش‌های مسلمانان عراق، هند و یمن، در حد فاصل سال‌های ۱۹۲۶-۱۹۳۳ میلادی در راه پیگیری مسئله بقیع، اثبات می‌شود. انگلستان دستور منع انتشار اعلامیه علمای نجف درباره بقیع و سایر جنایات وهابیت را داد و با وقت‌گُشی و حواله به طرح شکایت در جامعه ملل، وقت کافی را برای تثبیت در حجاز به آل سعود داد و با تهدید به تکرار تهاجم وهابیان به عراق، تلاش کرد مردم عراق را از پیگیری مسئله بقیع باز دارد. انگلستان در هند نیز با رد تقاضای شیعیان هند برای صدور مجوز بازسازی

حرم بقیع - هرچند خودشان هزینه بازسازی را تقبل می‌کردند - رد انتقال نامه آنان به رضاشاه درباره پیگیری مسئله بقیع، رد هرگونه مداخله در رفتار ستمگرانه آل سعود با مسلمانان دیگر در حرمین و رد تقاضای خودداری از کمک به سعودی در نبرد با تشکیلات حزب احرار حجاز و اداریه، به بهانه سیاست عدم مداخله در منازعات مذهبی مسلمانان، دست آل سعود را در این منازعات باز گذاشت و حتی به آنها کمک کرد. همچنین انگلستان با مداخله آشکار نظامی و پشتیبانی مالی در منازعه حزب احرار و اداریه با سعودی در شمال یمن، به سعودی در سرکوب آنان کمک کرد و تقاضای یمنیان در عدم مداخله انگلستان را که براساس همان سیاست عدم مداخله در منازعات مذهبی بود رد کرد. بدین گونه می‌بینیم موج‌های پیگیری مسئله بقیع با مداخله انگلستان در کشورهای عراق، یمن و هند ناکام ماند.

## منابع

۱. آل بسام، عبدالله بن عبدالرحمان (۱۴۱۹ق). *خزانة التواریخ النجدیة*، چاپ اول، مکتبه مغنیه.
۲. احمدی، علی (۱۳۹۹ش). *مجموعه اسناد تخریب بقیع*، تهران، نشر مشعر، جلد اول.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۰ش). *مجموعه اسناد تخریب بقیع*، تهران، نشر مشعر، جلد دوم.
۴. امین، سیدمحسن (بی تا). *کشف الازتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب*، بیروت، دارالکتب الإسلامی.
۵. بواسعی یمانی، عبد الواسع بن یحیی (۱۳۴۶ق)، *تاریخ الیمن*، چاپ اول، قاهره، مطبعه السلفیه.
۶. *جریده ام القرى* (۱۳۴۴ق). چاپ هفتم، مکه، بی تا.
۷. دادفر، سجاد و نعمتی، نورالدین (۱۳۹۲ش). «مراجع ایرانی و قیام ۱۹۲۰ شیعیان عراق»، *فصلنامه پژوهشنامه تاریخ اسلام*، شماره نه، بهار.
۸. قاسم پور، داوود، (۱۳۸۴ش). «غانله متحدالشکل کردن لباس»، *مجله زمانه*، شماره چهل.
۹. ساتی، حسن (۲۰۱۴م). *قصه عبدالله فیلبی من وثائق المخابرات البریطانیة*، بیروت، جداول.
۱۰. الشرعة، ابراهیم فاعور (۲۰۱۰م). «حزب الأحرار الحجازی و دورة السیاسی بین عامی ۱۹۲۸-۱۹۳۵، *مجله دراسات العلوم الإنسانية والاجتماعیة*، جلد ۳۷.
۱۱. صبری پاشا، ایوب (۱۳۹۲ش). *مرآة الحرمین*، چاپ اول، تهران، نشر مشعر.
۱۲. صدیقی نخجوانی، رضا (۱۳۸۳). «تغییر لباس و قیام مردم تبریز»، *فصلنامه مطالعات تاریخی*، شماره چهار، پاییز، ۱۳۸۳.
۱۳. عبدی خجسته، لیلا (۱۴۰۱ش). «جنبش خلافت در هندوستان و مسئله بقیع»، *پژوهشکده حج و زیارت*، قم، نشر مشعر.
۱۴. قاضی عسکر، سیدعلی (۱۴۰۰ش). *تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد*، چاپ اول، تهران، نشر مشعر.
۱۵. گروه نویسندگان (۱۴۳۱ق). *موسوعة الإمام السید عبدالحسین شرف‌الدین*، چاپ دوم، بیروت، دار المورخ العربی.
۱۶. مرکز النجف (۱۳۹۸ش). *موقف النجف الأشرف من الهجوم*، چاپ اول، قم، انتشارات فق.
۱۷. نجاتی، محمدسعید (۱۴۰۱ش). «اسناد مکاتبات مسلمانان هند و یمن برای بازسازی بقیع»، *مجموعه اسناد تخریب بقیع*، تهیه شده در پژوهشکده حج و زیارت، جلد سوم.

۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۸ش). «واکنش علمای عراق به تخریب بقیع»، مجموعه مقالات همایش هند و حرمین شریفین، تهران، تهیه شده در پژوهشکده حج و زیارت، نشر مشعر.
۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۹ش). «اعتراض علامه شرف‌الدین به تخریب بقاع بقیع و تلاش‌های بین‌المللی»، فصلنامه میقات حج، شماره ۱۱۱.
۲۰. ویلی، جويس.ان (۱۳۷۳ش). نهضت اسلامی شیعیان عراق، تهران، اطلاعات.

